

بررسی مشکلات معادلیابی واژگان قرآنی و مذهبی در زبان انگلیسی

الخاص ویسی *

کلیدواژه: ترجمه، قرآن، معادلیابی، زبان مبدأ، زبان مقصد،
تعادل ترجمه‌ای، بارمعنایی، مشخصه معنایی.

طرح مسئله

معادلیابی مفاهیم فرهنگی دینی و از جمله مفاهیم قرآنی در ترجمه یکی از عمومی‌ترین مشکلات ترجمه است، زیرا پاره‌ای از مشخصه‌های خاص و مورد قبول یک زبان کمتر در زبانهای دیگر یافت می‌شوند. مسائل مربوط به معادلیابی وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این «مشخصه‌های خاص» بارمعنایی^۱ دینی و اعتقادی داشته باشند، چرا که کمترین بی‌دقتی و کوچکترین تغییر در این عناصر منجر به تحریف پیام و دخالت در محتوای آن می‌شود و متون دینی به لحاظ اهمیت ویژه خود تحمل چنین تحریف و دخالتی را ندارند. محققان و صاحب‌نظران در مسائل ترجمه بیش از هر چیز به مشکلات معادلیابی عناصر واژگانی مذهبی و مفاهیم فرهنگی خاص زبانها در ترجمه پرداخته و کوشیده‌اند راهکارهای مناسبی برای حل این مشکلات ارائه دهند (لطفی پورساعدی، ۱۹۸۸: ۱۰).

به طور کلی، اعتقاد بر این است که مترجم در فرآیند ترجمه به عنوان واسطه بین دو زبان مبدأ و مقصد عمل

چکیده: ترجمه متون مذهبی و معادلیابی واژگان مذهبی، فنی است ظریف و لغزنده و هرگونه ناآگاهی و غفلت از مقتضیات زبان مبدأ یا مقصد برای ترجمه این گونه متون خطاآفرین و لغزش برانگیز است. به ویژه اگر متن مورد ترجمه کلام معجزه‌آسای، وحی قرآن کریم، باشد، به همان نسبت کار مترجم در انتقال مفاهیم و پیام متن دقیقتر و دشوارتر و ضریب احتمالی خطای او در معادلیابی واژگان و رعایت سبک و امانت در ترجمه بیشتر خواهد بود.

معادلیابی واژگان قرآن کریم و متون مذهبی پیچیدگی و دقیق بودن این فرایند را برای ما بیشتر مشخص می‌سازد. مشکلات ناشی از معادلیابی در این گونه متون می‌تواند ناشی از عوامل گوناگون مانند ناآگاه بودن مترجم از فرهنگ زبان مبدأ، علم کلام، فقه اللغة و نحوه بازآفرینی زبان مبدأ در زبان مقصد باشد. مسلماً اگر تمام انسانها جمع شوند تا چیزی مثل قرآن به زبان عربی یا غیرعربی ارائه دهند هرگز نخواهند توانست، زیرا قرآن کریم معجزه الهی است و جایگزین ساختن کلام بشری به جای آن همچون جایگزین کردن اعضای مصنوعی به جای اعضای اصلی و طبیعی آدمی است. در این مقاله با ذکر مثالهای متعدد از ترجمه‌های قرآن علل این مشکلات مورد بررسی قرار گرفته و نیز بر این نکته تأکید شده است که چگونه برخی از واژگان به همان شکل اصلی آنها در زبان انگلیسی بازآفرینی می‌شوند. البته تعادل ترجمه‌ای در این گونه متون امری تجربی است نه آرمانی، بدین معنی که ترجمه این گونه متون تحت تأثیر عوامل فرازبانی فرهنگی و اجتماعی و سایر هنجارهای ترجمه است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور مرکز اهواز.

دارد.

زبانهای مختلف طبقات و برشهای معنایی خاص خود را دارند، زیرا عواملی مانند عقیده و مشخصه‌های فرهنگی اموری منحصر به فرد و اختصاصی هستند. بنابراین، واژگان زبان را بر حسب میزان تأثیر تجارب و عقاید رایج در آن طبقه‌بندی می‌کنند (Newmark, 1982: 68).

در بین اصطلاحات و واژگان، اصطلاحات علوم محض، مانند ریاضی، شیمی و فیزیک، معنای ثابتی دارند و در کاربردهای روزمره معنی آنها ساده و یکسان است.

مترجمان در ترجمه این نوع واژگان و یافتن معادل برای آنها غالباً موفق هستند، زیرا اطلاعات زمینه‌ای و زبان مادری آنها این حوزه معنایی را به راحتی تعریف می‌کند. در حقیقت کلماتی مانند sun، moon، swim، die جزو واژگان اصلی و پایه‌اند و با تجارب اصلی انسان مربوط‌اند و جزو روابط طبیعی او محسوب می‌شوند و همه افراد، صرف‌نظر از محیط و زبان مخصوص خود، آنها را کاملاً درک می‌کنند.

گستره وسیعی از واژگان جنبه شخصی و فرهنگی دارد و به واژگان غیرپایه معروف است. این ویژگیها سبب می‌شوند تا حوزه معنایی آنها در زبانهای مختلف به صورتی متفاوت مرزبندی شود. مترجم برای بازآفرینی ارزش ارتباطی و معنایی واژگان استفاده شده در متن اصلی و حفظ و انتقال آن در زبان مقصد باید به عمق تجربه، فرهنگ، مذهب و عقاید شخصی و، به‌طور کلی، به جهان‌بینی و طرز نگرش نویسنده متن پی ببرد (همان: ۷۰). توجه به متن و عوامل و موقعیتهای حاکم بر آن در زبان مبدأ نیز در تداعی مفاهیم واژگان مؤثر خواهد بود. در همین راستا زبان‌شناسی ساختارگرایی سوسور^۲ به این اصل زیربنایی اشاره می‌کند که هر زبانی یک نظام منحصر به فرد دارد که اجزا و واحدهای این نظام جوهر وجودی و معنایی خود را از شبکه ارتباطی بین خود و سایر

می‌کند. وی می‌کوشد برای عناصر متنی زبان مبدأ معادلهایی در زبان مقصد پیدا کند و در میان این عناصر واژگانی آنچه بیشتر از همه مدنظر قرار می‌گیرد عناصر واژگانی مذهبی و مفاهیم خاص فرهنگی است (Nida, 1964: 26).

از دیدگاه «نسبیت زبانی»^۳ مشخصه‌های خاص تعیین شده و مورد قبول یک زبان را نمی‌توان در زبانهای دیگر یافت. هرچند این دیدگاه افراطی به نظر می‌رسد، اما، به طور کلی، می‌توان گفت که معادلهایی دقیق شناسه‌های خاص زبانی، که وجه تمایز زبانها از یکدیگر است، و نیز معادلهایی اصطلاحات فرهنگی و دینی بین دو زبان، با مشخصه‌های زبانی متفاوت در ترجمه کاری حساس و مشکل است (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۴: ۴۸).

بنابراین، در ترجمه متون دینی، به ویژه متون اسلامی، به لحاظ بار فرهنگی-دینی و اعتقادی که این متون دارند، مشکل معادلهایی برای مترجم بیشتر است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که دیدگاه خود مترجمان نسبت به این مشکلات چیست و چگونه سعی می‌کنند مشکلات معادلهایی را حل کنند تا ترجمه آنها روشنتر و رساتر باشد؟ و اینکه ترجمه این مفاهیم خاص اسلامی از دیدگاه مخاطبان، یعنی انگلیسی-زبانها و افرادی که ترجمه برای آنها انجام می‌شود چگونه است و تا چه اندازه برای آنها قابل درک است؟

معادلهایی واژگان فرهنگی-دینی در انگلیسی کاری بس خطیر و دشوار است و این به دلیل شکاف فرهنگی بین دو زبان است و هر زبان و مذهب برحسب عقاید، تجربیات و شیوه تفکر پیروانش، نمادهای زبانی^۴ و ویژه‌ای را برای تعریف رویدادها و وقایع جهان خارج و یا عالم ذهن خویش برمی‌گزیند.

بدیهی است برای بازآفرینی^۵ عقاید و محتوای فرهنگی زبان مبدأ در زبان مقصد، مترجم باید به رموز و ویژگیهای ارزش ارتباطی متن انتخاب شده دست پیدا کند تا بتواند مفاهیم را با رعایت امانت‌داری برای مخاطبان خود در زبان مقصد ترسیم نماید. در این مورد درک مترجم از واژگان و نوع آن نقش مهمی در برقراری تعادل ترجمه‌ای

2. linguistic relativism

3. linguistic symbol

5. translational equivalence

4. reconstruction

6. Saussure

مهم مبادرت می‌ورزد باید در معارف اسلامی تبحر کافی داشته و با علوم فقه اللغة^۸، نحو^۹، تصریف، اشتقاق^{۱۰} و نیز علم حدیث و کلام، شأن نزول آیات، نحوه برداشت از قرآن و، به طور کلی، با علوم قرآنی آشنا بوده و از مهارت ترجمه نیز بهره کافی داشته باشد.

ابونصر فارابی در مقدمه دیوان الادب (به نقل از کمالی دزفولی) می‌گوید:^{۱۱}

القرآن هُوَ تَنْزِيلُهُ، فَصَّلَ فِيهِ مَصَالِحَ الْعِبَادِ فِي مَعَاشِهِمْ وَمَعَادِهِمْ، مِمَّا يَأْتُونَ وَيَذَرُونَ وَلَا سَبِيلَ إِلَى عَمَلِهِ وَإِدْرَاكِ مَعَانِيهِ إِلَّا بِالتَّبَحُّرِ فِي عِلْمِ اللُّغَةِ.

فارابی اعتقاد دارد که انتقال معانی واژگان قرآن کریم، که در اوج فصاحت و بلاغت است بدون توجه به مشخصه‌های معنایی و فرهنگی و دانش زبان‌شناختی واژگان غیر ممکن است. پیکتال (۱۹۸۶: ۵۷) نیز می‌گوید: «ترجمه و انتقال معانی واژگانی قرآن کریم مانند انتقال یک گل از رستگاه اصلیش می‌باشد که در حین انتقال ممکن است زیبایی، ظرافت و بوی معطر خود را از دست بدهد.»

دیگر مترجمان نیز درباره اهمیت ساختار معنایی واژه‌ها در ترجمه تاکید کرده‌اند: مترجم و قرآن‌شناس فقید ژاپنی، توشی‌هیکو ایزوتسو^{۱۲} در معادل‌یابی واژگان قرآن به زبانهای مختلف، از جمله فارسی و انگلیسی، تصریحاً با اقتباس از دیدگاه وورف^{۱۳} در زمینه جهان‌بینی اقوام مختلف و بازتاب این جهان‌بینی در واژگان و معادل‌های آنها در زبانهای دیگر به جستجو در ساختار معنایی واژه‌های دینی و اخلاقی قرآن کریم پرداخته و بر ترجمه نادرست واژگان قرآنی به انگلیسی اشاره کرده است (امام، ۱۳۷۸: ۱۸).

به عنوان مثال، وی با رد واژه انگلیسی disbeliever به عنوان معادل دقیق کلمه عربی «ظالم» با واژه‌های «ستمکار» یا «ستمگر» در فارسی مخالفت می‌ورزد و می‌گوید: ترجمه کردن «ظالم» به واژه‌های «ستمکار» یا «ستمگر» ممکن است راه

واحد‌های درون آن نظام اخذ می‌کنند. در نتیجه، معنای هر یک از واژه‌ها در چارچوب نظام معنایی زبان مربوطه عینیت می‌یابد. بنابراین، با توجه به مباحث فوق و اصل قراردادی بودن نشانه‌های زبانی و مشخصه‌های معنایی آنها و نیز با توجه به تفاوت زبانها از لحاظ ساختار واژگانی، می‌توان گفت که رعایت فرایند قالب‌سازی^{۱۴} و بازآفرینی واژه‌ها در زبان مقصد، مترجم را در ترجمه یاری خواهد کرد (همان: ۱۶۵).

البته یک حقیقت غیرقابل انکار درباره قرآن کریم وجود دارد و آن اینکه هیچ ترجمه‌ای از قرآن در هیچ زبانی نمی‌تواند جای خود قرآن را، که عین کلام الهی است، بگیرد یا به قول مولانا طبع خاک آلود بشر هرگز به پای افلاکی کلام حق نمی‌رسد. مصداق این واقعیت در آیه زیر روشن است: قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا: بگو اگر جن و انس جمع شوند تا کلامی مثل کلام خدا را بیاورند هرگز نخواهند توانست حتی اگر پشتیبان یکدیگر باشند (ق، سوره ۱۷، آیه ۸۸).

Say: If men and jinns banded together to produce the like of this Koran, they would never produce its like, even though they back one another. (Arberry's translation))

دیدگاه مترجمان و معادل‌یابی واژگان و ترجمه قرآن
بسیاری از آنان که قرآن کریم را به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌اند در مقدمه ترجمه خود آشکارا به بی‌بضاعتی خویش در برابر شکوه و عظمت قرآن کریم اعتراف کرده و کار خود را تلاشی برای بیان درک خود از معنی کلام خدا اعلام کرده‌اند (منافی انارکی، ۱۳۶۵: ۳۶).

آربری (۱۹۵۵: ۷۸) معتقد است که پیش از وی در ترجمه‌های متن و واژگان قرآنی توجه چندانی به سبک قرآن نشده و به طور کامل سیمای منحصر به فرد قرآن و یا به قول پیکتال (۱۹۸۶: ۱۷) «سمفونی غیر قابل تقلید آن» نادیده گرفته شده است. بنابراین، برای ترجمه قرآن کریم و معادل‌یابی واژگان آن به هر زبان دیگر تنها آشنایی به زبان عربی و زبان مقصد کافی نیست. کسی که به این

7. encoding

8. philology

9. syntax

10. derivation

۱۱. به نقل از خرمشاهی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۵.

12. Toshihiko Izotso

13. Whorf

برابر و معادلی نداشته باشد. با مقوله‌های واژگان قرآنی که در زبان مقصد معادل ندارند می‌توان به طرق مختلف برخورد کرد. یکی از این روشها از دیدگاه زبان‌شناسی، تقریب (نظریابی)^{۱۸} است. منظور از تقریب واژه‌ای است با مفهوم نزدیک به آنچه در متن مورد نیاز است تا با جایگزین ساختن آن در متن ترجمه شده بتوانیم مفهوم را به خواننده القاکنیم. بدون تردید مترجم برای ترجمه انجیل به زبانی که مردم آن یکتا پرست نیستند به جای کلمه «خدا» از واژه‌ای استفاده می‌کند که بیانگر مفهوم موجود مقدس است، هر چند امکان دارد در آن کلمه مفاهیم ضمنی^{۱۹} دیگری نیز نهفته باشد. البته در بسیاری موارد به علت نبود همگونیهای^{۲۰} معنایی مشترک بین مقوله‌های واژگانی زبان مبدأ و مقصد عامل تقریب نیز چندان مؤثر نخواهد بود. به عنوان مثال، برای واژه «شهید» مترجمان مختلف قرآن مانند آربری (۱۹۵۵)، پیکتال (۱۹۸۶)، یوسف علی (۱۹۸۷)، پالمر (۱۹۸۸) و رودول (۱۹۸۶)، معادل انگلیسی martyr (به معنی مرگ و نیستی) را برگزیده‌اند. واژه «شهید» در قاموس فرهنگ اسلامی در لایه‌های معنایی خود مشخصه‌هایی مانند «حیات»، «ایمان»، «هجرت»، «جهاد» و «عدم نیستی» را در بردارد. این مشخصه‌ها در آیه‌های قرآنی زیر آمده است:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا وَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (بقره، ۲۱۸) آنان که ایمان آوردند، هجرت کردند و در راه خدا مبارزه کردند و کشته شدند.

در این آیه، مفاهیم اشاره شده، بخشی از مشخصه‌های معنایی واژه «شهید» است و بخشی دیگر نیز در آیه زیر وجود دارد:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحياءٌ عند ربهم يرزقون: گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند بلکه

زنده‌اند و در نزد او روزی می‌خورند.

بنابراین، «زنده بودن» یک مشخصه دیگر برای واژه مزبور است.

ساده‌ای برای نشان دادن معنای ظالم باشد. اما اگر بخواهیم به مقوله معنایی خود واژه دست یابیم باید تحقیق کنیم که در زبان عربی قدیم و در زبان قرآن به چه نوع شخصی، با چه نوع منشی و چه نوع اعمالی «ظالم» اطلاق شده است. به همین سیاق، وی با استناد به آیات قرآنی، احادیث و بررسی تاریخ اسلام با معادلهای فارسی بسیار مصطلح و متعارف مانند «بی‌ایمان» در برابر واژه عربی «کافر» و «گناه» در برابر واژه «ذنب» از در مخالفت در آمده و می‌گوید که این معادله‌ها هرگز حقّ واژه‌های اصلی را ادا نمی‌کنند (لطفی-پورساعدی، ۱۹۸۸: ۱۳۳-۱۱۸). نایدا (۱۹۶۴: ۴) نیز از چنین دیدگاهی، ترجمه برخی از اصطلاحات علم کلام مسیحیت را به انگلیسی و یا از انگلیسی به برخی فرهنگهای غیر غربی ناممکن می‌داند.

صاحب‌نظران ترجمه و زبان‌شناسان، از جمله پالمر^{۱۴} (۱۹۷۶)، به این نکته اشاره می‌کنند که «واژگان در هر زبان بخش عظیمی از معنی را انتقال می‌دهد» و بر این اعتقادند که عدم توجه به بارمعنایی هر واژه در هنگام ترجمه باعث خواهد شد که ترجمه یا غلط از آب درآید و یا از دقت کافی برخوردار نباشد.

شرایط حاکم بر تعادل واژگان در ترجمه قرآن

امکان برقراری تعادل بین دو عنصر واژگانی حتی در داخل یک زبان (و نه بین دو زبان متفاوت) مورد بحث و سؤال است. این واقعیت در خصوص متون مذهبی حساستر و ظریفتر است. شرایط حاکم بر تعادل واژگان مذهبی عبارت است از معنای ارجاعی^{۱۵}، آحاد معنایی^{۱۶} و عوامل و شرایط حاکم برگزینان متن^{۱۷}، شأن نزول آیات و محیط وقوع زبانی واژگان (لطفی-پورساعدی، ۱۳۷۴: ۸۲).

مترجم در انتخاب معادل واژگانی زبان مقصد برای عناصر واژگان زبان قرآن باید تک‌تک شرایط بالا را که در معنای واژه زبان مبدأ مؤثر هستند مد نظر قرار داده و واژه‌ای را در زبان مقصد به عنوان معادل آن واژه انتخاب کند که منعکس‌کننده همان شرایط در زبان مقصد باشد. البته برخی از متون مذهبی ممکن است حاوی واژه و یا کاربردی از واژه‌ها باشند که در محدوده دلالت زبان مقصد

14. Palmer

15. referential

16. meaning components

17. discourse

18. approximation

19. connotative meaning 20. universal semantics

برای واژه «رسول» معادل‌هایی مانند emissary, messenger و apostle معرفی شده است (یوسف‌علی، ۱۹۸۷؛ آربری، ۱۹۵۵). در آیه زیر به مفهوم دینی واژه «رسول» در قاموس فرهنگ اسلامی اشاره شده است:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲)

برطبق این آیه قرآنی در لایه‌های معنایی واژه «رسول» مشخصه‌هایی از قبیل «مبلغ پیام وحی»، «حکیم» و «معلم قرآن بودن» وجود دارد. معادل انگلیسی apostle به هر یک از دوازده تن حواریون حضرت عیسی (ع) اطلاق می‌شد که مأمور تبلیغ انجیل بودند و این واژه در فرهنگ مذهبی خود فقط مفهوم «مبلغ انجیل» را دربردارد. در اینجا هم بازسازی واژه «رسول» در زبان انگلیسی به شکل اصلی آن یعنی rasūl راه حل مناسب است.

این نکته را باید یادآور شویم که عاریه گرفتن یک واژه مانند «رسول» از زبان مبدأ ممکن است به وارد شدن آن واژه در زبان دوم و استفاده دائم از آن منجر گردد. حتی ممکن است در مواردی غیر از ترجمه هم از آن کلمه عاریه استفاده شود و یا ممکن است این واژه قرضی به طور کلی، بر اساس بسامد کاربرد^{۲۲} ماهیت بیگانه بودن خود را در زبانی که در آن وارد شده از دست بدهد. این موارد فرآیندهای درونی زبان گیرنده و مقصد است که غالباً با عوامل فرافرهنگی و فرازبانی مرتبط می‌شوند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۴: ۴۹).

با ذکر مثالی دیگر این مسئله را دقیقتر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

معادل‌های داده شده برای «الرحمن» به ترتیب بسامد در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم به شرح زیر است:

The compassionate; the beneficent; the merciful;
the gracious; rahman; the kind; the affectionate

(به نقل از پیکتال، ۱۹۸۶ و آربری، ۱۹۵۵).

در آیه‌های فوق به وضوح تعدادی از مشخصه‌های معنایی را می‌توان مشاهده کرد که واژه «شهید» را تعریف می‌کنند. با توجه به اینکه مفهوم این واژه را نمی‌توان با معادل آن در انگلیسی برابر دانست، در نتیجه، باید همان واژه اصلی را در قالب آوایی و ساخت هجایی^{۲۱} زبان مقصد به صورت «شهید» بازسازی کرد. هنگامی که واژه «شهید» به صورت یک عنصر واژگانی قرضی وارد زبان انگلیسی می‌شود، این زبان با مقوله واژگانی جدید و مشخصه‌های معنایی خاص مواجه می‌شود که با کاربرد پربسامد، توسط اهل زبان، بخشی از قلمرو واژگانی آن زبان خواهد شد. مصداق این واقعیت را می‌توان با قاعده معنایی و زیانشناختی زیر که فرایند ترجمه را به خوبی نمایان می‌کند نشان داد:

$$S_1 - S_2 - S_3 \dots$$

بر اساس این قاعده، S_1 نمایشگر جمله اصلی و S_2 یک جمله درونه‌ای است. Σ ، نشانگر عناصر واژگانی جدید و عبارات درونه‌ای در داخل جمله اصلی است. این عناصر روی هم رفته تعیین‌کننده معنای نهایی یک جمله خواهند بود. زیرا در فرآیند مشخص ساختن مفهوم دقیق یک جمله تنها روستاخت و یک عامل معنایی تعیین‌کننده نیست، بلکه عوامل دیگر مثل شرایط حاکم بر متن و جمله، ارتباط معنایی عناصر جمله با یکدیگر و کل متن در تعیین معنا مؤثرند. Σ نشانگر درونه‌ای بودن عناصر تعیین‌کننده معنایی است. بنابراین، مترجم باید کوشش کند تا برای هر واژه یا عبارت و مفهوم در زبان مقصد برابر و معادل مناسبی پیدا کند که دربرگیرنده تمام ویژگیها و مفاهیم مورد اشاره در زبان مبدأ باشد. در غیر این صورت، اصل واژه از زبان مبدأ وارد زبان مقصد خواهد شد، یعنی واژه «شهید» در انگلیسی به صورت *shahid* بازآفرینی خواهد شد. در این راستا، میرعمادی (۱۳۷۴: ۹۵) می‌نویسد که اگر عبارت و کلمه بیگانه ... بر وضعیت خاص فرهنگی یک جامعه دلالت داشته باشد باید به صورت اصلی خود حفظ شود بدون آنکه ترجمه واژگانی شود.

21. syllabic structure

22. frequency of occurrence

این واژگان به عنوان عناصر واژگانی تشدیدکننده قبل از واژه *merciful* به کار رفته‌اند و بر بخشی از معنای این واژه دلالت می‌کنند. واژه *compassion*، آن گونه که در فرهنگ آکسفورد آمده است، به معنی «رقت قلب و همدردی با دیگران است که باید از سر ترحم و دلسوزی باشد». در نتیجه، معانی صریح و ضمنی واژه «الرحمن» با *the compassionate* برابر نیست. واژه *the beneficent* طبق فرهنگ آکسفورد به معنی «نیکوکار و خیر» است که این مفاهیم بخشی از حوزه معنایی و فرهنگی واژه‌های «الرحمن» و «الرحیم» را در مفهوم «احسان‌کننده» پوشش می‌دهند. با در نظر گرفتن مشخصه‌های فرهنگی و لایه‌های معنایی این دو واژه، زبان انگلیسی فاقد معادل کامل و نزدیک^{۲۴} برای آنهاست و معادلهای ارائه شده معادلهای لفظی است. بنابراین، با در نظر گرفتن این مشکلات، بهتر است از همان واژگان به شکل اصلی آنها استفاده شود.

بدین ترتیب، باتوجه به شکاف معنایی میان دو زبان یا دو فرهنگ، نایدا (۱۹۶۴: ۶۸-۶۷) از مطالعات میدانی متعدد به این نتیجه رسیده است که پیام مذهبی به سبب بافتهای فرهنگی و جهان‌بینیهای متفاوت غالباً در ترجمه منتقل نمی‌شود، پس تنها راه را در آن دیده که مفاهیم تعدیل شوند.^{۲۵} البته، همان گونه که پیش از این اشاره شد، برای واژگانی که در زبان مقصد مدلولی ندارند باید همان واژه به شکل اصلی خود به کار رود. لذا بعضی از مترجمان این واقعیت زبان‌شناختی را در ترجمه خود نادیده گرفته و، در عوض، به همان گونه‌ای که نایدا اشاره کرده، از طریق سیاستهای کلی واژه‌سازی^{۲۶} مفاهیم مورد نظر را تعدیل کرده‌اند. پیکتال و آربری نیز از این روش پیروی کرده‌اند. از آنجا که واژه *compassionate* برای «الرحمن» وافی به نظر نمی‌رسد، آنها با افزودن تشدید کننده‌هایی مانند *the most* و *entirely* مفهوم آن واژه را تعدیل کرده‌اند و این بدان علت است که واژه‌های «الرحمن»

در میان معادل‌های داده شده *the kind* و *the affectionate* بسیار کلی و بیشتر به معنای مهربانی است نه احسان‌کننده و نعمت‌دهنده. از سوی دیگر، برای واژه «الرحیم» معادل دیگری داده شده است (پیکتال، ۱۹۸۶). عبارت *The gracious* از فرهنگ آکسفورد معادل گرفته شده و، بر این اساس، به معنی نعمت و احسان بی‌حد و پایان خداوند است و این معنا با حوزه معنایی و فرهنگی واژه *الرحمن* قرابت و نزدیکی دارد و در عبارت تعجبی می‌تواند به جای اسم خداوند هم به کار رود. یوسف‌علی (۱۹۸۷) نیز برای واژه «الرحمن» معادل *the gracious* را برگزیده است.

همان گونه که پیشتر گفته شد، در فرایند معادل‌یابی برای واژه‌ای که در زبان مقصد معادل واژگانی ندارد باید صورت اصلی واژه حفظ بشود، لذا برخی از مترجمان از روش دیگری در معادل‌یابی استفاده کرده‌اند که به تبیین آن می‌پردازیم.

واژه «الرحمن» صیغه مبالغه است و کثرت را می‌رساند و هیچ واژه انگلیسی به تنهایی مفهوم رحمت و کثرت را یکجا نمی‌رساند. در زبان عربی قرآن ابواب «فعلیل»، «فعال» و «فعلول» بر صیغه مبالغه دلالت دارند و واژگانی که قالب آنها بر اساس یکی از ابواب نامبرده شکل گرفته مفهوم مبالغه و تشدید را خود قرار دارند. بنابراین، برخی مترجمان (مانند پیکتال، ۱۹۸۶) برای معادل‌یابی صحیح واژه‌های «الرحمن» و «الرحیم» از تکواژهای تشدیدکننده^{۲۳} مانند *entirely*، *all*، *most* قبل از واژگان معادل استفاده کرده‌اند. این تکواژها ترجمه ابواب فعلیل، فعال و فعلول در ساخت واژه‌اند. اما مسئله این است که واژه *most* در انگلیسی مرتبه عالی را می‌رساند و تلویحاً مقایسه را نشان می‌دهد، این درحالی است که در مکتب توحید وجود خداوند با هیچ موجود دیگری قابل قیاس نیست. واژه‌های *all* و *entirely* نیز دقیقاً مفهوم کثرت را نمی‌رسانند. همین طور برای واژه «الرحیم» که صفت مشبیه است و دلالت به نعمت دائم و رحمت همیشگی دارد، در انگلیسی از واژه‌های *all*، *ever*، *most* و *extremely* استفاده شده است.

23. intensifiers

24. close equivalent

25. be adjusted

26. word formation

شده است. در فرهنگ اسلامی «رمضان» فقط یک ماه تقویمی نیست، بلکه واژه‌ای است که در حوزه معنایی آن مشخصه‌های «خودسازی نفس»، «روزه گرفتن»، «شهادت امام علی (ع)» و «نزول قرآن کریم» وجود دارد. بر طبق یکی از روشهای واژه‌سازی موسوم به گسترش معنایی^{۲۹}، واژه «رمضان» در گستره زمان، مفهوم و سطوح معنایی جدیدی یافته است. بر این اساس، واژه‌های «رمضان»، «عاشورا» و «کربلا» فقط به مفاهیم زمانی و مکانی و تقویمی خاص اشاره نمی‌کنند، بلکه انعکاس‌دهنده فرهنگ خودسازی، ایثار و فداکاری در مسیر حق و اهداف مقدس الهی هستند. هر یک از این واژگان از محتوای غنی فرهنگی خاص زبان مبدأ برخوردارند. این واژگان در متون انگلیسی امروزی و در بیشتر رسانه‌های خبری انگلیسی به شکل اصلی آنها یعنی Karbalā, āshūrā, Ramdān، به کار می‌روند.

عوامل حاکم بر تعادل واژگانی حکم می‌کند که مترجم معنای ارجاعی واژه‌های زبان مبدأ (فلاح و رمضان) را در نظر داشته باشد؛ یعنی باید ببیند که واژه زبان مبدأ و معادل ترجمه‌ای آن در جهان خارج و فیزیکی دارای مرجع یکسانی هستند یا خیر، در غیر این صورت واژگان زبان مبدأ مثل «فلاح»، «رمضان» و «رسول» به شکل اصلی آنها در زبان مقصد بازآفرینی خواهند شد (لطفی پورساعدی، ۱۹۸۸: ۴۲).

مترجم در فرایند معادل‌یابی واژه‌های مذکور حق اضافه کردن حتی یک کلمه توضیحی را در درون متن اصلی ندارد و همه توضیحات باید به صورت حاشیه‌نویسی و با ذکر این مطلب که چنین توضیحاتی از خود مترجم است انجام گیرد.

یکی دیگر از واژه‌هایی که در آیات متعدد قرآن کریم به کار رفته واژه «بلی» است. این واژه ۲۲ بار در قرآن ذکر شده است. شناخت جایگاه «بلی» و معنای آن از مسائلی است که در فهم آیات مربوطه و ارتباط آنها با

و «الرحیم» در ساخت واژگانی خود از دو تکواژ «رحمت» بعلاوه باب یا قالب عربی «فعلال» و «فعلیل»، که در ساخت واژه مستتر است و بر مبالغه دلالت دارد، ساخته شده‌اند. و در نهایت این مترجمان از ترکیه‌ای چون the most compassionate و entirely merciful استفاده کرده‌اند.

برخی از مترجمان دیگر، مانند یوسف علی، چون این ترکیبات را کافی ندانسته با استفاده از زیرنویس^{۲۷} عین این مفاهیم را توضیح داده‌اند و برخی دیگر که هیچ واژه و ترکیبی را مناسب نیافته‌اند از روش دیگر استفاده کرده و عیناً واژه‌های «الرحمن» و «الرحیم» را از زبان مبدأ به عاریت گرفته و در زیرنویس توضیح داده‌اند (صلحجو، ۱۳۸۰: ۴۹-۴۶).

نایدا (۱۹۶۴: ۲۷) اعتقاد دارد که در روند معادل‌یابی واژگان مذهبی و فرهنگی مانند «رسول»، «شهید»، «الرحمن» و «الرحیم»، مترجم در ابتدا باید به زبان مبدأ بیندیشد، آن را مورد بررسی قرار دهد و پس از یافتن معادل‌های مناسب به نوپردازی مفاهیم به صورت عبارت در زبان مقصد بپردازد، به نحوی که پیام متن ترجمه شده با متن اصلی هم‌طرازی معنایی داشته باشد. از طرفی وقتی مترجم به بررسی متن اصلی می‌پردازد لازم است تمام جوانب معنایی اعم از معنای اولیه^{۲۸} و معنای مجازی را مدنظر قرار دهد. ذکر مثال‌های دیگر مضامین و مفاهیم فوق را آشکارتر می‌سازد.

برای واژه «فلاح»، مثلاً در آیه قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ معادل‌های saved و delivered ارائه شده است (پیکتال، ۱۹۸۶). این واژه قرآنی در لایه‌های معنایی خود به سعادت حقیقی و اخروی اشاره دارد، در حالی که واژه saved در انگلیسی به معنای نجات از یک بلای طبیعی و یا حادثه است. بنابراین با توجه به تفاوت معنایی این دو واژه و توجه به اینکه مفهوم «فلاح» در قالب واژه انگلیسی saved نمی‌گنجد، لذا باید از خود واژه به شکل اصلی آن یعنی falḥ استفاده کنیم. به عنوان مثالی دیگر، فرهنگ آکسفورد واژه «رمضان» را به صورت the ninth month of Arabic lunar calendar تعریف کرده است. این تعریف فقط به جنبه تقویمی این واژه اشاره دارد و جنبه اعتقادی و مذهبی آن نادیده گرفته

27. foot notes

28. primary meaning

29. broadening of meaning

یکدیگر نقش تعیین کننده دارد.

بسیاری از مترجمان، مانند یوسف علی (۱۹۸۷)، با نگرشی سطحی از آیات قرآنی مورد نظر عبور کرده و با قرار دادن معادل تحت اللفظی برای این واژه به ترجمه آیه اقدام کرده اند (انصاری، ۱۳۸۱: ۲۴-۱۰) انصاری (۱۳۸۱) نظر راغب اصفهانی را درباره واژه «بلی» به شکل زیر بیان می کند:

«بلی» یا برای رد نفی است، مانند «وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ... بَلَى مِنْ كَسْبِ سَيِّئَةٍ...» (بقره، ۸۱-۸۰). یا در پاسخ استفهام مقرون به نفی قرار می گیرد. مانند «الست بریکم قالوا بلی» (اعراف، ۱۷۲). «بلی» از آن روی پس از انکار قرار می گیرد که معنای آن بازگشت از انکار به اثبات است.

در بعضی از ترجمه های انگلیسی قرآن از معادلهای Nay ب (پیکتال، ۱۹۸۶) و yes as it is (یوسف علی، ۱۹۸۷ و پالمر ۱۹۸۶) استفاده شده است:

And they say : the fire of punishment will not touch us

Nay , but whosoever hath done evil (پیکتال ۵)

«وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ... بَلَى مِنْ كَسْبِ سَيِّئَةٍ...» (بقره، ۸۱-۸۰)

یا در آیه «ام یحسبون انا لانسمع سرهم و نجواهم بلی و رسلنا لدهیم یکتبون» (زُخرف، ۸۰)

or deem they that we cannot hear their secret thoughts and private confidences? Nay, but our envoys, present with them , do record. (پیکتال)

در این آیه «بلی» پس از جمله نفی و سؤالی «ام یحسبون انا لانسمع ۵» آمده و استفهام آن تو بیخی است. پاسخ تفصیلی آن چنین است: «بلی نسمع» یا «چرا می شنویم».

ترجمه آیه از این قرار است: آیا می پندارند که ما راز آنان و نجوایشان را نمی شنویم؟ چرا می شنویم و فرشتگان ما نزدشان حضور دارند و اعمالشان را می نویسند.

انصاری (۱۳۸۱) معتقد است که با ارائه معادل «چرا»، مناسبترین معادل را برای این واژه در زبان فارسی ارائه داده اند. زیرا از نظر آنان واژه «بلی» و «آری» در پاسخ استفهام ثبوتی به کار می رود و این برخلاف واژه «چرا»

است که اختصاص به سؤال منفی دارد. با توجه به نظر راغب اصفهانی و اصول حاکم برگفتمان و شرایط حاکم بر متن به نظر می رسد ترجمه هایی مانند that is so و yes تحت اللفظی هستند و افاده مطلب نمی کنند و معادل پیشنهادی پیکتال (Nay) در ترجمه قرآن کریم که مفهوم «چرا» دارد صحیحتر به نظر می رسد، زیرا واژه «بلی» را با توجه به شرایط حاکم برگفتمان و متن «بلی» و «آری» نگرفته است.

یکی از واژه های دیگر که در قرآن کریم با معانی مختلف به کار رفته است واژه «فتنه» است که مترجمان مختلف، چون شاکر، آربری و یوسف علی ترجمه های مختلفی را برای آن به دست داده اند. در زیر به بررسی معانی و نمونه هایی از معادلهای داده شده برای این واژه می پردازیم:

معنی اول «فتنه»: آزمائش

مثال: وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ... (انفال، ۲۸)

Shaker : And know that your property and your children are a **temptation**

Arberry: And know that your wealth and your children are a **trial** .

Yusuf Ali : And know ye that your possession and your progeny are **but a trial**.

است trial بهترین معادل برای لفظ «فتنه» در این معنا (برگزیده شاکر) معنای اغوا و temptation و از واژه وسوسه برداشت می شود و به نظر می رسد در این بافت واژه مناسبی نباشد.

معنی دوم «فتنه»: شرک، کفر، بی دینی

مثال: وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ... (بقره، ۱۹۳)

Shaker : And fight with them until there is no **persecution**

Arberi: Fight them , till there is no **persecution**.

Yusuf Ali: And fight them on until there is no more tumult or **oppression** .

فرایند انتقال مفاهیم برداشتهای متفاوتی صورت می‌گیرد مثلاً در آیه ۵۶ سوره نساء:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَاراً كَلَّمَا نَصَبَتْ جُلُودَهُمْ: همانا کسانی که به آیات ما کافرنند، آنان را در آتشی خواهیم افکند، که آن‌گاه، پوستهایشان برگردد.

به دلیل نبود پیش‌فرض^{۳۲} و برداشتی واضح در خصوص آتش و چگونگی سوختن در آن، مترجمان هر کدام به نوعی و با نگرشی شخصی به معادل‌یابی واژگانی و ترجمه متن اقدام کرده‌اند:

Arberry: we shall certainly roast them at fire, as often as they are wholly burned.

Palmer: we will broil them with fire, whenever their skins are well done.

در این دو ترجمه فعل roast بیشتر معانی سرخ کردن، برشته کردن، بو دادن و کباب کردن و فعل broil بیشتر معانی سوزاندن، داغ کردن، جوشاندن و به سیخ کشیدن را در ذهن تداعی می‌کند. البته انتخاب افعال دیگر از زبان انگلیسی نیز برداشتهای متفاوت معنایی را در ذهن متبادر خواهند کرد که با متن مبدأ فاصله معنایی دارند. بنابراین در انتخاب معادلها باید از پیش‌فرضها، باورها و نگرشهای پنهان در متن مبدأ نیز اطلاع داشته باشیم.

انتخاب معادل نامناسب برای یک واژه مشکلات دیگری را نیز به بار می‌آورد که به بررسی یکی از آنها می‌پردازیم. همانگونه که اشاره شد، در راه انتقال اصطلاحات اسلامی به انگلیسی مشکلات گوناگونی وجود دارد. بزرگترین مسئله‌ای که مترجم با آن مواجه می‌شود این است که هر دین، فرهنگ، منطقه و زبان سلسله مفاهیم خاصی دارد که با فرهنگهای دیگر کاملاً متفاوت است، لذا برای کسی که بخواهد مفهوم یک فرهنگ را به فرهنگ دیگر منتقل کند نارساییهای تعبیرات یکی از مشکلات اولیه است و گاهی به علت همین نارساییها، مفهوم حقیقی اصطلاح مورد نظر از میان می‌رود؛ برای مثال «دین» را وقتی

واژه‌های persecution (زجر و شکنجه)، tumult (آشفتنگی و غوغا) و oppression (ظلم و تعدی) کاربردی مناسب در این بافت ندارند. به نظر نویسنده واژه infidelity (کفر و بی‌دینی)، که عمده‌تأ در اسلام و مسیحیت کاربرد دارد، می‌تواند در این بافت مورد استفاده قرار گیرد.

معنی سوم «فتنه»: عذر
مثال: ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتَنَّهُمْ إِلَّا نَا قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ. (انعام، ۲۳)

Shakeir: then their excuse would be nothing but that they would say, by Allah, our Lord, we were not polytheists. Arberry: then they shall have no providing, but to say, by God our Lord we never associate other gods with thee.

Yusuf Ali: there will then be (left) no subterfuge for them but to say: By Allah our lord, we were not those who joined gods with Allah.

آربری معادل providing، به معنای شرط را برگزیده که صحیح نیست، یوسف علی نیز واژه subterfuge را انتخاب کرده که به معنای حيله و ترفند است. اما بهترین معادل از آن شاکر است که دقیقاً «فتنه» را به معنای عذر (excuse) ترجمه کرده است.

در ترجمه این نوع واژگان، مترجم با تجزیه و تحلیل در زبانهای مبدأ و مقصد معنای دقیق متن اصلی را بازآفرینی می‌کند. بدین ترتیب، ترجمه معنایی^{۳۰} صورت می‌گیرد که می‌تواند در ترجمه متون دینی و مذهبی بسیار راهگشا باشد. به همین منظور در ترجمه واژه‌هایی مانند «بلی» و «فتنه» برای رسیدن به تعادل و همطرازی در فرایند معادل‌یابی واژگان، مؤلفه‌های مختلفی ایفای نقش می‌کنند و در بررسی و ارزیابی تعادل ترجمه‌ای، همه این عوامل که در رابطه با یکدیگر عمل می‌کنند باید در نظر گرفته شوند. در نتیجه واژگان، ساختار، بافتار^{۳۱}، گونه‌های زبانی و پیش‌تصورات برخی از اجزای تعادل ترجمه‌ای را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، در متون مذهبی و قرآنی به دلیل هدفمندی خاص متن، با توجه به شفافیت الفاظ در متن مبدأ، در

30. semantic translation

31. context

32. presupposition

اسلام است که جهت انجام فریضه نماز به شیوه‌های خاص انجام می‌شود. از طرفی، نماز یکی از اعمال واجب عبادی است که هر مسلمان باید هر روز پنج مرتبه آن را انجام دهد و «دعا» یا «تقاضا» به مفهوم prayer نیست و واژه «نماز» باید به شکل اصلی خود یعنی salāt یا namāz در زبان مقصد آورده شود.

بنابراین، فرایند معادل‌یابی مفاهیم فرهنگی-دینی در ترجمه تأثیر فراوانی در انتقال پیام مذهبی به انسانها دارد. از اینجا است که مترجم، به عنوان یک «راهگشا» و واسطه بین دو فرهنگ و زبان متفاوت عمل می‌کند به گونه‌ای که پیام متن اصلی به صورت طبیعی و مؤثر به زبان مقصد انتقال یابد و همان تأثیر پیام و زبان مبدأ را بر مخاطب بر جای بگذارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اگر مفهوم یک اصطلاح اسلامی و قرآنی در انگلیسی وجود داشته باشد باید بررسی شود که کدام واژه برای آن به طور مناسب به کار می‌رود تا همان را انتخاب کنیم. مثلاً «مسیحیت» مفهومی است که مخصوص به اسلام نیست، بلکه در فرهنگ غرب وجود دارد و آن را به شکل Christianity و judaism تعبیر می‌کنند. بنابراین، همین واژه را برای برگردان واژه‌های اسلامی نیز باید به کار گرفت.

از طرفی، آن دسته از واژگان قرآنی و اسلامی که مدلول و مشخصه مشترک فرهنگی با زبان مقصد (انگلیسی) ندارند باید عیناً به همان شکل اصلی و عربی خود به کار گرفته شوند، مانند واژه‌های «توحید» «دین»، «جهاد»، «نماز»، «شهید»، «هجرت» و «تقوی» که توصیه می‌شود به همین شکل در زبان انگلیسی به کار برده شوند. البته این واژگان هنگامی که در قلمرو واژگانی زبان انگلیسی قرار گیرند قالب آوایی و هجایی آن زبان را به خود خواهند گرفت. بنابراین، این واژگان به همین صورت باید به کار روند تا کم‌کم رواج یابند و به صورت پربسامد به عنوان واژه قرضی در زبان مقصد استفاده شوند.

در زبان انگلیسی به «religion» ترجمه می‌کنند، این ترجمه برای اینکه مفهوم دین را برساند سداً بزرگی در راه درک مفهوم دقیق آن می‌شود، چرا که مذهب از دیدگاه فرهنگی آنان همواره محدود به زندگی فردی افراد بوده و با زندگی اجتماعی، قضایی و سیاسی مردم هیچ‌گونه ارتباطی نداشته است. بدین جهت مفهومی که واژه religion تداعی می‌کند ارتباطی میان «عبد و معبود» یا «خالق و مخلوق» بیش نیست. در نتیجه، این نکته برای آنها قابل درک نیست که دینی مانند اسلام دستورات اقتصادی دارد، خمس و زکات دارد، جهاد دارد، حدود دارد و می‌خواهد در شئون اجتماعی مردم مداخله کند. در نتیجه، اسلام محکوم می‌شود به اینکه دین نیست بلکه معجونی از سیاست و مذهب است و همه این سوء تفاهات به علت فقدان معادل دقیق دین در زبان انگلیسی است.

با ذکر یک مثال دیگر از متون دینی ترجمه شده، تأثیر عوامل نامبرده فوق مانند پیش‌فرضها، باورها و اعتقاد فرهنگی در فرایند معادل‌یابی آشکارتر می‌گردد. به عنوان مثال، برای واژه «ذاکر» در انگلیسی معادلهای مختلف داده شده است، مانند: narrator of tragedies of Karbala و orator (پیکتال، ۱۹۸۶).

واژه orator به مفهوم ناطق و سخنران و واژه narrator نیز به مفهوم راوی و نقل است. پس هیچ یک معادل صحیحی برای لفظ ذاکر نیستند. از آنجا که در منطقه شبه قاره هند «ذاکر» به کسانی گفته می‌شود که مصایب کربلا و آنچه را که براهل بیت رفته بازگو می‌کنند، لذا مفهوم قرآنی آن نادیده گرفته شده است. واژه «ذاکر» به اشکال گوناگون در قرآن آمده است که به نظر نگارنده واژه مناسب و معادل آن در انگلیسی suppliant است.

یکی دیگر از اصطلاحات اسلامی که به هنگام انتقال به زبان انگلیسی دچار نابسامانی شده و معادلهای غلط و نادرستی برای آن به کار رفته است واژه «وضو» است که برای آن معادل ablution به کار رفته است (نقوی، ۱۳۸۴: ۴۶). در حالی که وضو یکی از مقدمات ضروری اولیه در شرع

- Arberry**, Aj (1955), *The Koran interpreted*, Newyork: Macmillan publishing company.
- Lotfi Pour Sa'edi**, K. (1988), Component of translation equivalence, In talegri et al (Eds.) *From cultural Transference to metonymic displacement*, Bombay: Popular prakashan;
- Newmark**, P. (1982), *Approaches to translation*, Oxford: Pergamon Press LTD;
- Nida**, E.A. (1964), *Towards a science of translating*. Leiden . E. J. Brill;
- Palmer**, F. R. (1976), *Semantics, A new outline*. London, Combridge University press.
- Pikthall**, Muhammad Marmaduke [Tr.] (1986), Improved Edition), *The meaning of the glorious Quran*, Delhi: Kitab Bhavan.
- Rodwell**, J. M. (1974), *The koran* (Translated into English), London.
- Shakir**, M. H. (1976), *The Holy Quran*, Ismailian Pablication, Tehran.
- Yusuf Ali Abdullah** [Tr.](1987), *The holy Quran*, New york American Trust Publication. ■

سرانجام اینکه توجه و آشنایی با مشکلات معادلیابی متون قرآنی و اسلامی به زبان انگلیسی در حل پاره‌ای از مشکلات ترجمه مؤثر خواهد بود و به مترجم کمک خواهد کرد تا از میزان انتقال معنی در ترجمه این متون ارزیابی و داوری درست داشته باشد وضعفها و کاستیها را قبل از ترجمه درک کند و در رفع آنها بکوشد.

کتابنامه

- امام، عباس (۱۳۷۸)، از ترجمه، چاپ اول، انتشارات خالدين، اهواز؛
- انصاری، محمدرضا (۱۳۸۱)، «جایگاه بلی و معنای آن در قرآن»، مجله ترجمان وحی، سال ششم، شماره اول؛
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۲)، قرآن پژوهی، تهران مرکز نشر فرهنگی مشرق، چاپ دوم؛
- رابین، اس (۱۳۶۶)، به نقل از «ترجمه از دیدگاه زیانسناسی» پرویز بیرجندی، فصل نامه ترجمه، شماره سوم و چهارم؛
- صلحجو، علی (۱۳۸۰)، نظریه های ترجمه در عصر حاضر، تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول؛
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۴)، درآمدی به اصول و روش ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم؛
- منافی، سالار (۱۳۶۵)، «نگاهی به ترجمه های انگلیسی قرآن»، فصلنامه ترجمه، سال اول، شماره اول؛
- میرعمادی، سیدعلی (۱۳۷۴)، تنویریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب با همزمان، انتشارات خانه فرهنگ، چاپ دوم؛
- نقوی، حسین، (۱۳۸۴)، فصلنامه مترجم، شماره دهم، سال سوم؛